تأثیر نگرش "معنویت" اشتباهات اجتماعی صحابه بر روای بی تفاوتی اجتماعی در جامعه اسلامی (از سال ۱۳۶۱ هجری)

چکیده

اولى

هدیه تقویٰ

بعد از رحلت پیامبر (ص)، به فاشه کوتاهی صحابه به عنوان مجتهدان دینی و محل مراقبه مردم و هدایت گر آنان در مسائل دینی شناخته شدند. سوالات پیامبر در مسائل مختلط، کم اطلاعی آنان نسبت به مبانی اندیشمندان دینی، فروعات و احکام آن، برخی از مسائل مختلف داخلی و خارجی و... نشان اجتهاد آنان را در این زمینه نشان می‌دهد. آنان به عنوان صحابه پیامبر (ص) بیشتر از مسائل دینی را بر اساس استنباطات شخصی تأویل می‌کردند و مردم نیز معمولاً نظر اجتهادی آنان را می‌پذیرفتند.

نتقش اجتهادی صحابه، اختلاف و حتی تعارض اجتهادی آنان، خیلی سریع منجر به پیدایش نظره "معنویت اجتهاد" صحابه شد. این نظره به بروز خریزی از گذشته که در این مدت کوتاهی پیامبر (ص) را درک کرده بودند و می‌توانست کننده ای بر فکر و روحیه جامعه برای گذشته یکی از جنبه‌های قابل بررسی در این موضوع گردید. سر خودگی جامعه و در تبیین برخی از تفاوتی در بین مردم بود. حساسیت نسبت به حقایق و مطالب واقع بودن اجتهاد نظری و از اعمال صحابه کاهش یافت، این، امر موجب کاهش روحیه انتقاد، رواج بی تفاوت و انفعال اجتماعی در جامعه گردید.

کلید واژگان: صحابه، اشتباهات اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی، اهل سنت

v.am144@yahoo.com
hedyetaghavi@yahoo.com

استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (ص)
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (ص)
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۳
مقامه

پی تفاوتی اجتماعی، مقوله ای جامعه شناختی است که به انفعال، عدم مشارکت، انزوا، گوشه‌گیری و علاقه‌ی به فعالیت در عرصه‌سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اشاره دارد. این مسئله که هم‌زمان با شرایط اجتماعی متفق ساز در جامعه اسلامی به وجود آمد، افراد و گروه‌هایی را به انفعال کشاند. پی تفاوتی زمانی نمودیدا کرد که مسلمانان دوره ی مشارکت فعالانه، دواطلبانه و مجاهمه گرانه عصر نبوده را پشت سر گذاشته بودند.

بعد از رحلت رسول اکرم (ص) از میزان مشارکت دولت‌باهنر و خودجوشی مردمی کاسته شد. در این دوره نوعی عدم تعمید به مستندی نسبت به اشتباهات محترم دینی به وجود آمد. رخت و نستی مسلمانان و سکوت آنان در برابر اعمال و فتواحای خلاف دین صاحب به حذی بارز بود که بدعت حاکم فرمانی وارد دین شد. عوامل زمینه ساز ایجاد این مستلح در جامعه اسلامی به تغییر شرایط اجتماعی و گذر از عصر نبوده به دوره بعدی بر می‌گردد.

تغییر شرایط نیز مقوله درگیری وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی بود.

در بین عوامل مختلف اثر گذار بر مسئله پی تفاوتی اجتماعی، عوامل فرهنگی به دلیل ارتباط نگاتیو با مردم و تاثیر بر افکار و اندیشه‌ی جامعه، به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد کننده حس مشارکت و فعالیت یا عامل متفق ساز در جامعه اسلامی محصول می‌شود. در بین عوامل فرهنگی شاخص مقیتی نقشی تعمید داشته‌اند و بر اساس اصلیت و قوه اجتماعی جامعه اسلامی میزان اعتقادات دینی مردم زمینه ساز مشارکت و عدم مشارکت آنان محصول می‌شود. هرگاه اعتقادات دینی باید حساس ساز نیز اجرای آنها در جامعه وجود داشته. عصر نبوده مصلخ بارز این ورگی بود، البته حضور حضرت رسول اکرم(ص) و ارتباط با مبانی وحی، شکایتی نسبت به مسائل مطروحه دینی ایجاد نمی‌کرد.

اما بعد از رحلت رسول اکرم(ص) و ایجاد تحریک سیاسی، جامعه اسلامی مراحلی از گذر طی کرد که به جای رسول اکرم، جمع‌سازی مرجع حل مسائل دینی شند. از آنجایی که تعداد جمع‌سازی میزان درک مقایه دینی توسط آنان متفاوت بود، بردایش های متفاوتی نیز در احکام دینی به وجود آمد که بسیاری از آنها برخلاف دین و حتی

1. علی خطیب و مینو افشاری‌راد، (1379)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
بدرصد محسوب می‌شود. در این دوره به تدریج اعتقادات دینی اجتماع نیز فروکش گردید. این مسئله ضریب مشارکت آگاهانه و داوطلبانه مسلمانان در اجرای صحیح دین را کاهش داد.

مطالب دیدگاه بسیاری از متفکران اهل سنت، صاحب‌پیامبر (ص) از نوعی مصونیت در فتوا و اجتهاد برخورد بودند. به استناد روایت مسعود به پیامبر (ص) که "اصحاب، کالنجم اسماء باهم اقتشتیم اهتمام" نمی‌توان بر رفتار و تصمیم و حکم آنان خودی گرفت. این امر به دلیل آگاهی اندرک بسیاری از صاحب‌نیستی به مسائل دینی و شرعی، را به دعوت‌های فرافنایی را به دین باز کرد. هر چند جامعه از دوره پیامبر (ص) فاصله می‌گرفت، از یک طرف برای صاحب‌نیست و آموز با دینی محدودیت ایجاد می‌شد و از طرف دیگر شرایط برای تاولای اشتباه و توسعه استنباطات شخصی از دین توسط صاحب‌نیستی اطلاع هموارتر می‌گردید.

در دوره مورد بحث جز واکنش عده محدودی از صاحب‌پیامبر (ص) در مقابل اعتقادات اجتماعی صاحب‌نیستی کم اطلاع و عکس العمل از جانب اجتماع نسبت به این گونه اشتباهات صورت گرفت. این پژوهش بر این است تا به بررسی علل بی تفاوتی اجتماعی نسبت به اشتباهات و بدرصد های دینی صاحب‌نیست در دوره مورد نظر پردازد.

**تعریف صاحب‌نیستی از دیدگاه اهل سنت**

در اصل به این حجر عقلانی عنوان صاحب‌نیستی پیامبر (ص) به کسانی اطلاق شده که رسول اکرم (ص) را درک کرده، به ایمان آورند و مسلمان نشدند. این امر به اساس افکار بشری اجازه دخالت را در روابط رسول اکرم (ص) نمی‌دهد. مسائل بستگی به صرف یاد شده‌های دیگر با حضور رسول در زمرو صاحب‌نیستی محسوب می‌شود. مطالب این نظره تمام مسلمانان انتظار که در محضر رسول اکرم (ص) تعامل دیگر فرا گرفته دودن و چه کسانی به مجزه به پذیرش اسلام شده بودند، در زمرو صاحب‌نیستی محسوب می‌شود. همه نهایت به استناد بزرگان از این احتمال به صاحب‌نیست، مجدداً می‌توانند با دینی مبتنی بر این احتمال به صاحب‌مط‌بوده و مسلمانان می‌توانند به توقف اجتماعی انتظار احترام بگذارند. ظاهراً در این میان تفاوتی میان سایرین سابقون و صاحب‌نیستی، نبوده و با بستگی به کسانی، جنون ایفا کرده‌ای، ابوعمر، ابوذر غفاری،
عمر، مقداد، عبدالеле به رضو، و افرادی چون عمو عاص، خالد بن ولید، ولید بن عقبه، ابوزریه و... از سوی در نظر گرفته، در این نظریه، مرجعیت صحابه بدون هیچ ارتباطی با سابقه آنان در اسلام، منزلت معنی، شایان و... مورد توجه و استناد قرار می‌گرفت. هر چند که در زمان حیات پیامبر (ص) افرادی از باران او در جایی که به پیامبر (ص) دسترسی نداشتند به اجتهاد خود عمل می‌کردند اما تعمیم این جوانه به کلیه اصحاب نه تنها منطقه مجاز نبکه در سیره عملي پیامبر (ص) نیز نمی‌توان جوانه به آن یافته. بارزترین شاهد تاریخی این موضوع اجتهادات جبل بن مهار و علی بن ابیطالب است. این اصحاب به درجات مشخصی از کارشناسی دینی رسیده بودند و پیامبر (ص) بر تنوازی آنان صحیح گذاشته بود.

شریعتی نیز اجتهاد صحابه و تقلید از آنان را در اموری روا دانسته که در قرآن و یا ست بیوی بیان نشده باشد. بر اساس این دیدگاه از دو جهت برای اعمال نظر صحابه در امور شرعی محدودیت وجود ندارد. از یک جهت آنان می‌توانستند در صورت لزوم بسیاری از آیات قرآن که به طور قطع تفسیر و فهم آن برای تعداد زیادی قابل درک نبود یا تأویل نمی‌شده‌اند از جهتی دیگر برای اصحابی که در مدتی كوتاه با پیامبر(ص) ارتباط داشته و درک عمیقی نسبت به مسائل دینی و شرعی نداشتند، زمینه اجتهاد فراهم شد. شهرسنا در آن‌ها برای توجیه این نظریه ادعای داشت که عدم اطلاع صحابه از تفسیر قرآن، احکام و معانی آیات ضریر بر اجتهاد آنان وارد نمی‌کند چون: برخی از صحابه به آنچه که در قرآن آمده عالم نبوده حتی گاه بلند قرآن را نیز نداشتند اما اهل اجتهاد محسوب می‌شدند. در واقع صرف "صحابه بود" "می‌توانست زمینه ساز نوعی پذیرش اجتماعی باشد و شرایط امکان نسبت به خطای افراد را فراهم کند. بر اساس این دیدگاه به تدریج صحابه از قداستی هم طراز با رسول خدا (ص) برخودار بودند و اجتهاد آنان برای جامعه حجيت آور بود.

بی تفاوتی اجتماعی نسبت به اشتباهات اجتهادی صحابه
بعد از رحلت حضرت رسول(ص) حساسیت و دغدغه مسلمانان نسبت به دین و مسائل دینی به تدریج کاهش یافت. وضعیت اجتماعی این دوره فاصله ای تدریجی با مبانی دینی را نشان می کند. این مسئله معلول عوامل متعددی از جمله: ورود خیل عظیمی از اعضا شبه جزیره به جامعه اسلامی بعد از فتح مکه است. اکثراً این افراد درک عمیقی نسبت به مبانی دینی نداشته و بنابر شرایط موجود مجبور به پذیرش اسلام شدند. بسیاری از آنان با درک سطحی از دین، آن را در حد انجام عبادات فرا گرفتند. این مسئله باعث شد تفسیرها و برداشت های اشتیاق از دین که توسط عده ای از صحابه کم اطلاع صورت می گرفت و در مورد زیادی از آموزه های اصیل دینی نامناسب بود. را به همراه نشان دادند. قدامت و بار افزایش عنوان صحابه نیز بد شرایط گردید که بر نظرات اشتیاق آنان اثر گذاشت. از طرفی کاهش اعتقادات دینی در جامعه اسلامی بعد از رحلت رسول(ص) به تدریج دغدغه مسلمانان را نسبت به اجرای آموزه های دینی کاهش داد.

اساس بیان اشتباهات تأثیر صاحب توسط اجتماع به دوره خلافت ایبوبکر می گورد. موضع گری خلیفه اول نسبت به رفتارهای تعلیم و مبانی مبانی شریعی بعضی از صحابه، با این توجیه که به اجتهاد خود عمل کرده اند، عدم واکنش مسلمانان و برخی از صحابه را به همراه داشت. در این دوره اقدامات خلاف شرع خالد بن ولید در جنگ های رده که با اعتراض تعدادی از صحابه مواجه شد، با این استدلال ایبوبکر که وی به اجتهاد خود عمل کرده است، توجیه شد. این موضع گری خلیفه به عنوان کسی که مسئول اجرای قوانین اسلامی و نتیجه بود، مهر سکوتی بر اجتماع مسلمین و دیگر صحابه زد. ۱ در واقع در زمان اولین خلافت یامیر(ص) این گونه اشتباهات، عموماً به پوشش مذوریت اجتهادی صحابه توجیه و شرایط اغما و انتقال نسبت به آنان را فراهم کرد. ۲ در تحلیل عامل تفاوتی مربوط نسبت به برداشتات آشتیاق صحابه می توان به نظر و بر استناد جست. به عقیده ۱ محمد بن جریر طبری(ت.م(ع)، تاریخ طبری، ۴، بیروت، روستای ازات فبری، ص ۲۷۶، ۲ یقین، ۲۷۸، این اثر، ۲ ایبن سعد(۱۴۵۵)طبیعت الكرم، ج، ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۲۷۸، این اثر، (۱۴۵۵)المکافی في التاريخ، ج، ۲، بیروت- دار مادر، ص ۲۷۸.
جهت گیری رفتار انسان و گروه‌ها مؤثر هستند. بر اساس این استدلال، ویژگی اعتقادات مذهبی ادیان، الهیات کنش اجتماعی را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌دهد. مطالبی این روابط، برداشته که از دین ارائه می‌شود، کنش اجتماعی نیز با آن هم جهتی نشان می‌دهد. در واقع رفتاری که اجتماع در این برهم از خود بروز می‌دهد رفتار واقعی نیست بلکه جهت گیری همسو با نخبگان دینی است.

در جامعه اسلامی بعد از عصر نوبی نیز می‌توان این تناسب را یافته از آنجا که اشتیاهات تاوالی صلح و رفتار منفعلانه مسلمانان مشاهده کرد. بیان این نظریه که صلح به درجه اجتهاد رسیده و اقدام به آن ان باعث هدايت می‌شود، عکس العمل می‌رود. این مسئله به انضمام معمولیت در اشتیاهات، مورد را در تغییری قرار داد که فاصله ی جز پذیرش نداشت. هر چند ممکن است این سوال یک آید که در دیدگاه شیعه نیز مجمدان از معمولیت در اشتیاه برخوردارند. در واقع باید مهربان شد که روابط شیعه معمولیت از اشتیاه با روابط اهل سنت در معمولیت صلح به اشتیاه اجتماعی متفاوت است. مرزی‌نیز شیعه در کسب اجتهاد کاملا مشخص است. در دیدگاه شیعه افراد زمینی می‌توانند اجتماع کسب کند که به درجه کارشناسی از دین رسمی باشد. برای رسیدن به این مرحله نیز دارند بر حسب منافق و مصالح فردی و گروهی نظر اجتماعی صادر کند بلکه بر اساس مصالح دینی فردا ده می‌شود. در این صورت اگر اشتیاهی پیش آید آگاهانه و تعهدات نیست. در حالی که در دیدگاه اهل سنت همه صحابه بدون توجه به سطح درک و آگاهی آنان از دین از حکم اجتماعی برخوردارند. به گفته شهروندی تعدادی از آنان حتی توانایی تلاوت قرن نداشته و نسبت به مفهوم آن تا آگاه بودند. اما همان افراد می‌توانند احکام اجتماعی صادر کنند. عدم اشتیاهی تعدادی از صحابه نسبت به مسائل فقهی مشکلاتی را برای مسلمانان به وجود آورند. چنانکه عمر با وجود اینکه مدت زیادی در محضر پیامبر(ص) بود، در این مورد واردات از علی(ع) کمک می‌کرد.

1) اچ. تربری، حلالان، آل بیگلی، (1370)، پژوهش نظریه جامعه شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسپاری زاده، انتشارات دانشگاه شیراز، صص 289-290، 237، 246.
می گرفته. این مسئله برای صحابه متاخر و خصوصاً آنانی که بدون اطلاع و آگاهی مجبور به دعوت اسلام شده بودند راه بدلته‌ی فراوانی به دین باز کرد. مسلمانان نیز بی توجه به عوامل مسئله تاویلات آنان که بعضاً تایب مصالح شخصی و گروهی صورت می گرفت را پذیرفته شدند. حتی صحابه آگاه و صاحب اطلاع پیامبر (ص) نیز در موارد بسیاری منتفی‌کرده از کار اشتیاقات اجتهادی دیگر صحابه گذشتند و واکنش نشان نمی دادند. امثال ابوذر و ابونافه که در مواردی به این وضعیت اعتراض داشتند، در بین صحابه ی آگاه آگاهی شمار بودند. این بی تفاوت بی دغدغه حاکم و عدم حساسیت مسلمانان را نسبت به دین نشان می دهد. از طرفی حمایت حاکم و سروش گذاشتن بر انتفاضات اجتهادی صحابه، در مسلمانان ایدجاد ترس می کرد زیرا اعتراضات آنها نه تنها با پذیرش همراه نمی شد بلکه می‌مکنید و اکتش حامیان حکومتی صحابه را نیز در بر داشته باشند.

در دوره خلافت عمر اجتماعات اجتهادی وی و دیگر صحابه پیامبر (ص) در عمل با بی تفاوتی اجتماع روبرو شد. خليقیه دوم در موارد متعددی احکامی صادر می کرد که بطرف سنن نیز بود. این اجتماعات شخصی او که نوعاً بر اساس مصالح مرتب نظر انجام می شده، بعدها به نام سنن وی مورد تبعیت نیز قرار گرفت.

مهمت‌های حکمی که عمر پر خلاف موازین دینی و سنن نبود صادر کرد، تفاوت بین عرب و عجم و ایجاد سلسله مراتب در بین مسلمانان بود. این اقدام او در حالتی صورت گرفت که پیامبر (ص) هیچ سفیدی را بر سیاهی و هیچ عربی را بر عجمی برتری نداد. وی همچنین متعه حج و متعه نسی در زمان پیامبر (ص) کاملا شریعی بود را نامشروع اعلام کرد. این اجتماعات عمر بدون واکنش از تاجی اجتماع به عنوان اجتهاد یکی از صحابه پیامبر (ص) مورد تاکید قرار گرفت.

علاوه بر ایشان، جسارت اصحاب متاخر در صدور اجتهاد به حضور بوح معاویه بدون دغدغه فتوی‌ی دینی صادر می کرد و مورد پذیرش نیز مقدور می شد. در برابر اجتهادات معاویه، چرا زیادی از صحابه آگاه به مسائل دینی از جانب دیگر صحابه و مسلمانان اعتراض دیده نیم و شد. مطالعات عبید بن صامت و ابوذر غفاری با

---
1. طرفینه‌ی او/an. جکریا، ع. س. ۲۹۶-۲۹۸.
2. ماهینی پن انس (به‌نام) ، تاریخ ، ج. چپ عهد وی و فوارد عبد الیافی، پیروت، دار
انگلیسی‌های ۲۳. ۱۳۱۲.
معاوضه واکنش آنان نسبت به بدعت های او بود. معاوضه با وجود اینکه در فتح دکه اسلام آورده بود زمان اجتماعات بر خوردار بود و مطابق دیدگاه اهل سنت حق اجتماعات داشت. با وجود اینکه عمر برای نظرات بر کار او اصحابی جهنی عبادت بن صامت انصاری و به شام فرستادما در مقابل اعتراضات عبادت نسبت به اجتماعات اشتباه معاوضه عکس العمل شدیدی نشان داد و محدودیت‌های برای معاوضه ایجاد نکرد.

معاوضه در زمینه معاوضات امیر از بیع، تجارت و در توزیع غنایم و اتفاق اموال اجتماعات به رأی کرد. در زمینه بیع هنگامی که وي فروش طلا را به زیادتر از وزن و بیشتر از قیمت، جای دانست با مخالفت و انتقاد عبادت بن صامت روبرو شد. معاوضه به نشانه با وی برخورد نمود. عبادت به نزد عمر در مدیته برگشت و نسبت به این عمل معاوضه اعتراض کرد اما خلیفه دوم بدون هر گونه سختگیری بر معاوضه طی نامه ای از وی خواست که به عبادت احترام گذاشته و از نظرات او سر بر بگردند. اقدام عمر در همین حیث بایستی و محدودیتی بر معاوضه از لحاظ اجتماعات ایجاد نکرد. در واقع خلیفه دوم بدون توجه به اعتراضات صاحب امتقدم و آگاه به مسائل دینی، توصیه می‌کرد.

در زمینه اموال نیز معاوضه شمار "المال مال الله" را سر داد تا به این وسیله بتواند به دلخواه خود در اموال مسلمانان دخالت قانع کند. ابوزر این سخن معاوضه را در کرد و گفت: "اموالی از آن مسلمانان است و معاوضه امانتدار و مستنده است او حق ندارد که اموال مسلمان را بر این مصرف کند و به غیر اهلش بسپارد." این تقابل ابوزر به عوامل مالی جدی برای اصلاح قدرت محسوب می‌شد. ادامه این روند به دور کرد وی از جامعه منجر گردید.

در واقع اگر نهاد صدا‌سازی، علیه بدعت‌های دینی صورت می‌گرفت، به پس زمینه آنها منجر می‌شد.

پی تفاوتی اجتماعاتی در زمینه همکاری بین دو گروه، اجتماعی افکارگری و حجابی بر وجود آورد. بین گروه غالب و احاد جامعه فاصله ایجاد می‌کرد. در چنین حالتی اگر افکارگری از نوع دینی بادش بین مردم و نخیگان دینی شکافی ایجاد می‌شد که به تدریج به این توجه و اجرایی نکرد. آموزه‌های دینی این انجام. این رویکرد در

1. ابن اثير، اسناد الغاهه فی المعروف الصحابه، ج، پروت، دارئت، ۱۳۴۷، ص ۱۶۳، ۱۳۴۷، ص ۲۹۲۳.
2. تاریخ طبری، ج، پروت، ۱۳۴۷، ص ۲۸۳.
دراز مدت دین را بتدبیل به ایزارد کرده و راه بیفت و برداشت های شخصی را به دین بز می کند. در حین حالتی
مردم به جای توجه به دین و قواعدی اجرای آن، به انجام امور روزمره و باروری شدن نیازهای خود می بردند.
برای این جامعه تفاوتی نمی کند که چه برداشتی از دین می شود. به طور کلی داغغه کسب میشست بیشتر از
داغغه دینی است. راه حل این مشکل ایجاد ارتباط دوره به دوره با گروه غالب و نخبگان دینی است. در این
صورت نیز با پایستن سخن اجتماعی و گرایشات آنان مورد توجه گروه بزرگ قرار گیرد. این مسئله عملی در جامعه
اسلامی، خصوصاً دریافت دینی صحابه با مردم در دوره مورد بحث دیهی نمی شود.

علت دیگر پی تفاوتی مسلمانان ناشی از سریعتری و عدم ارتقای نظرات و انتقادات آنان بود. زیرا برخورد
خشونت آمیز با ابوذر که شایسته ولاپی در دین داشت به جرم ایستادن در مقابل بدعت ها ی صحابه کم اطلاع
انگیزه ای برای اعتراض دیگران باقی نمی گذاشته. نتیجه چنین برخوردی بدبینی مسلمانان را نسبت به
اجراه اموزه های دینی به همراه داشت و باعث شد انفعال اجتماعی را بر مشارکت و مداخله پی یافته تریج
دهند.

در ادامه این روند، عثمان به عنوان خلیفه مسلمین، امور شرعی را زیر مجموعه مصالح سیاسی قرار داد. وی در
جاای که مصلحت سیاسی اقتضا می کرد امروز بر خلاف ماهیت واقع تاويلی نماید از انجام چنین کاری ابایی ندشت.
نمونه بارز آن جلوگیری از قصاص عبیدالله بن عمر بود. عبیدالله باوجود قتل هرمنان و دختر ابوولو - که نقشی
در قتل عمر نداشتند- از قصاص تبریز شد. عثمان در مقابل اعتراض عده ای از مهاجران و انصار که بر قصاص
وی تأکید داشتند گفت: "من خودم صاحب خون هرمنان و آن را برابر خدا و عمر بخشیدم و برای خون عمر آرا
رها کردم." مقدمه به او اعتراض کرد و گفت : "هرمنان بنهدا خدا و رسول او است و تو را ترسد که حق خدا و
پیامبرش را ببخشی. "اما عثمان یا توجه به ادامه اعتراض نسبت به این موضوع گیری، سرانجام عقیده اصلی خود
را بیان داشت و گفت: "دبزوز پدر کشته شده و امروز نمی شود پسر را کشت." 3

1. اسدعمیدی، فی بینابان آیاد، مقاله پی تفاوتی اجتماعی، www.asadsociology.blogfa.com
2. ایبی، مونبع، تاریخ بیروت، ج۱، بیروت، دار صادر، 183
3. احمد بن برجین بن جابر بلاغری، ج۱۷، الاسباب الآخرام، ج۳، بیروت، دارالفکر، ص۱۳۰
نمونه دیگر از اجرایات شخصی عثمان نماز تمام خوانندگان در منی بود. چرا در پاسخ به اعتراض عبدالرحمان، که او را اختلاف سنت رستوخزرده دانست. از مورده تقویس زاده واحدة توسط های کلیدی، به خوشیوندانه که اعتراض عده ای از مسلمانان را به انجام به بود با این تأویل که اسلام توصیه به رضیگی به ارحام کرد که اعتراض آنان را با توجه به اکثریت عده ای از صحابه نسبت به استفاده از عثمان، اعتراض آنان را با پی توجیه از جانب خلیفه مواجه شد. در چنین حالتی که مشارکت مشاوره اثر نشود و افراد ضمن حضور در عرضه نتوانند تعیین ایجاد کنند، با احساس عدم کارایی مواجه شده و بی تفاوت می‌شوند.

قابلیت اثر گذاری بر سیاست‌های که از آن تبدیل به کارایی سیاسی می‌شود، از ویژگی‌های مشارکت فعال افراد است. اما اگر کارایی در افراد کنترل را با به آن توجیه امر می‌شود، خود به خود می‌تواند آنان برای مشارکت‌پذیری آمده و به تدریج منجر به بی تفاوتی می‌شود. در برخورد صحابه با عثمان، نیز می‌توان این خصوصیت را به وضوح مشاهده کرد. در واقع رفتار که مداخله و مشارکت صحابه اثری نداشت، اجتماع نیز تمایلی برای مشارکت نشان نمی‌داد. هرگاه افراد بین شوق پیش روز خود تفاوت‌های بارزی احساس نکنند، کمتر به سیاست می‌پردازند. به تعبیر دیگر، هرگاه شخص تصویر کند که در صورت حضور، هیچ چیز عوض نخواهد شد، تمایل به مشارکت نخواهد داشت؟

پی اثر مانند اعتراضات ابوده به بدعانی دینی صحابه خشم یو را براتگیخت و در جملاتی وضعیت دیسی جامعه را چنین بیان کرد: "به خدا سوگند کاره‌ای صورت می‌گیرد که هیچ راهی برای آن نمی‌دانی. به

1. تاریخ الاحرار، جه، ص ۲۶۷
2. همان، ص ۴۴۲-۴۴۳
3. آثار محمدرضا نیا، (۱۳۸۰)، تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهر وندان در جهان اجتماعی و سیاسی، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸، ص ۱۶۲
خساموکنده‌نه در کتاب خداست و هن در سنت رسول، به خدا سوگندی می‌پینم که حق خاموشی می‌شود و بیان زنده می‌گردد و چه بسا راستگرو را که تکذیب می‌کنند و بدون هیچگونه تقوایی افراد برگزیده می‌شوند.۱

جنگ جمل از دیگر مصداق مدعی داشتن صحابه در اجتهاد بود. به رغم بسیاری از مسلمانان مهربان جون مرتجه، بسیاری از متزلزل و تمامی اهل حدیث، طرفین جنگ را مدعی می‌دانستند. چرا که معتقد بودند آنان به اجتهاد خود عمل کرده‌اند. بعد این نحو قضاوت از منظر گروه کمتری از مسلمانان به جنگ صرف نیز تعیین یافت.

جنگ جمل سر در گمی برای جامعه به وجود آورده؛ زیرا طرفین جنگ از صحابه بودند. هر کدام از آنان در عصر نبوی نیز مشاهده خدمتی به اسلام شده بودند. زمانی که این حادثه اتفاق افتاد براز مردم تشخیص حقیقت سخت بود. دو طرف درگیر بر اساس دیدگاه دینی که داشتند برداشتشان از این واقعه متفاوت بود. در واقع می‌توان یکی از علت‌هایی که تفاوتی افتقاً عی نسبت به این مسئله را در آگاهی محدود دینی مسلمانان دانست. براز مردم محترز بود که درک و فهم دینی آنان نسبت به صحابه طرف مازنده اندک است. لذا عده‌ای که در مردم که قدرت تشخیص نداشتند نه تنها از این کدام از طرفین حمایت نکرده بلکه منزول شده و از مداخله خودداری کرده‌اند. ۲ عده‌ای از صحابه نیز از این حادثه به علت فتنه‌ای که پی تفاوتی در چنین شرایطی را بهترین گزینه‌ی می‌دانستند.

حادثه دیگری که در تاریخ اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است، شهادت امام حسین (ع) است. در این رویداد تاریخی مردم نه تنها با ایشان همراه شدند بلکه نسبت به شهادت وی نیز واکنش نشان نمی‌دادند. بر اساس مدعی دانستن اشتباهات تاویلی صحابه، حرکت امام حسین(ع) و قیام او و از این شرایط بلکه بر اساس تشخیص و استیضاج شخصی صورت گرفته بود. ایشان بر حسب اجتهاد شخصی به این ترتیب بی‌سیبی به حرکتش در

---

۱ شهاب‌الدوله، (۱۲۹۳)، نهایت الله‌ی امیر، صفحه ۴۱، ماهنامه مهدی، دامغان، انتشارات امیر کبیر، ص ۴۱.
۲ محمد بن حسن بن نعمان (۱۴۱۳)، الجمل، مکتب کتاب‌های سیاسی، صص ۲۶-۲۷.
۳ تیمی‌ی جامعه شناسی، (۱۲۰۲)، ماهنامه مهدی، دامغان، انتشارات امیر کبیر، صص ۸۲.
۴ تیمی‌ی جامعه شناسی، (۱۲۰۲)، ماهنامه مهدی، دامغان، انتشارات امیر کبیر، صص ۸۲.
جهت درست است. در حالیکه نظر اجتهادی دیگر صحابه در حجاز و شام و آنها به کمک یا به کمک نیست، آنان نه از امام حسن(ع) پیرواستند و نه به سیر و سیر نبودند. بیان نگرش گناهی موجه صحابه آی که امام حسن(ع) را یاری بیانی دادند. نبود ایشان نیز بر اساس نظریه اجتهادی صحابه بر آنان عیب نگرفت؟

۱- تفاوت اجتماعی نسبت به این حادثه در تمام کشور افغانستان و نیز کشورهای جنوب اسلامی داشت. این خاکسران که برخی از آنان به علت طعم حکم امام حسن(ع) و از این حادثه سنا گرفتند. به این نکات که نسبت به این حادثه минفقات بود. برخی خلافت یزید را پذیرفتند و به امام حسن(ع) نزی توصیه کردند. آمر اجتماع شده را پذیرفته. گفتند آنان در حدد توصیه به تفکر ایشان به کویر باقی ماندند و از ایشان همراهی نکردند. ۲- یزید خلافت خود را به داشتن و هر حکم که علی بن خواست خدا صورت می‌گرفت. محكوم بود. ۳- اجتماع مسلمین وضعیت تماشاگران داخلی و خارجی افراد تخصص دیگر، باعث شد اجتماع تماشاگران حادثه شوند و مشارکتی صورت یافت. وقتی عده‌ای نسبت به حادثه ای که باید در این حضور یادداشته بی تفاوت شوند، باعث اشاعه نقش آنان به دیگران نزی می‌شود. فعالیت خود جویش تعیین پذیر است و هر گاه این فعالیت با یک رهگیر جامعه مواجه شود، عدم مشارکت نیز تعیین می‌شود. گویی همه متظاهرند دیگری فعالیت کند و این بار از درون آمده و برداشته شود. در واقع نوعی حسی روانی مبتنی بر مشارکت خصوصاً در امور مقدس برای افراد به صورت فردی وجود دارد اما در سطح گسترده تغییر افراد به مشارکت دیگری بیشتر از خود است. و چون دیگران نیز فعالیت نمی‌کنند که لذا بی تفاوتی به جامعه تعیین می‌یابد. بنابراین روند تدریجی بی تفاوتی که بعد از رحلت رسول اکرم(ص) ابتدا به شکل فردی و گروهی بود سال ۶۱ به سطح وسیعی از جامعه تعیین یافته بود. چنانکه اجتماع عظیم مسلمین در برای رخداد کربلا چنین بی تفاوت بودند که انکار حادثه آی رخ نداده بود. این بی تفاوت در بین اهل حجاز کمال عمیق بود. واقعه حره نزی خود برخی دینی خلیفه بود. به این ترتیب آن جامعه خودجوش عصر نبی تبدیل به جامعه ای راکد و بی تحرک شده بود که موانع بیشتر استفاده‌ها از این وضعیت کردند.
نتیجه

گسترش دامنه معنویت اشتباهات اجتهاد صحبه به کلیه اصحاب پیامبر(ص)، شریعت را برای اجتهادات صحبه متأخر در امور شرعی فراهم آورد. این افزودگی به جهت کم اطلاعی نسبت به دین در مسائل دینی فتوا می‌دادند. عده‌ای از اصحاب متقدم آشکارا فتا هاوی بر خلاف سنت نیوی ارائه می‌دادند و با پذیرش اجتماع نیز مواجه می‌شدند. در واقع مردم اعتقاد داشتند که این افراد در محضر پیامبر(ص) بوده اند و آنچه را که می‌گویند دیده و شنیده و نسبت به آن آگاهی دارند.

پخش دیگری از مسئله بی تفاوتی اجتماعی به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه بر می‌گشت. سیاست خلفای اولیه در قبال صحبه متقدم باعث گردید که مسلمانان خصوصا در مناطق بیرون از حجاز به سهولت به آنان دسترسی نداشتند و نتوانند در محضر آنها تفقه دنیی نمایند. در مقابل عده‌ای یزیدی از اصحاب متأخر پیامبر(ص) با وجود عدم آگاهی نسبت به حقایق دنیی به سهولت با مردم در ارتباط بودند و به مسائل دینی آنان پاسخ می‌دادند. این امر زمانی را برای ورود بدعه‌های فراوانی به دین پای خرد در مجموع پامدهایی که اشتباهات اجتهاد صحبه و اعمال در مقابل آنها برای جامعه اسلامی ایجاد کرد می‌توان در موارد زیر به طور خلاصه بیان نمود.

1- ورود بدعت ها به دین: باز بودن مسیر اجتهاد برای تمامی صحابه بدون توجه به سطح درک و فهم دنیای آنان، برداشت های غلط و در مواردی خلاف شرع را وارد دین کرد. بسته بودن راه اعتراض و انتقاد مسیر ورود بدعت ها به دین را تسیری بخشید. این بدعت ها در دوازد مدت آفت در آسیب و آسیب هایی برای دین ایجاد کرد که قابل زودهنگام نبود زیرا در باور مجدد به آن می‌تواند تنها یک بگوی باشد.

2- رکود فکری: اجتماع انسانی با انتقاد و اختلاف به رشد فکری می‌رسد. انتقاد به تنها ملزم‌تنیست بلکه در کثرت آن افکار و انرژی‌ها رشد می‌کند. هر زمانی که در جامعه مسیر انتقاد و اختلافات باشد در آن جامعه افکار جدید به وجود می‌آید و رشد می‌کند اما در جامعه بهتره افکار سه‌رو در می‌شود و جمعیت
فکری ایجاد می‌گردد. در جامعه اسلامی محدود شدن انتقادات و برخورد با آنها، از یک طرف زمینه برای رکود افکار و انديشه های فراهم کرد و از طرفی با حمایت حاکمیت از افراد وابسته به خود، شریاف برای برداشت هایی دینی مناسب با منافع و مصالح فردی و گروهی فراهم گردید. این روند زمینه را برای رشد صحابه کم اطلاع اما وابسته به حاکمیت و سرکوب و پس زدن انديشه های دینی بر گرفته از مبانی اصلی دینی را فراهم کرد.

3- سرخوردگی مسلمانان: چون حاکمیت به انگیز اعتراضات صحابه شناخته شده نه تنها ترتیب اثر نمی داد پلکه در مواردی برخورد نیز می کرد. باعث ایجاد سرخوردگی در بین مسلمانان می شد. زیرا آنان به عدم اثر بخشی اعتراضات و انتقادات خود واقف شده و در چنین حالتی ترجیح می دادند به چای مشارکت بی فایده و دردسر ساز بی تفاوت باشد.

4- اسهامه نقش تماشاگران: از عوامل مهم بی تفاوتی اجتماعی عدم احساس مستندی است. وقتی درجه مستندی پذیری مردم پایین آید، به چای مشارکت خودجوش از دیگران انتظار مشارکت دارد. این خصوصی به تدریج از حالت فردی به گروهی و به سطح وسیعی از جامعه تشکیل می‌شود. افراد به چای حضور در صحنه تماشاگر می‌شوند. در جامعه اسلامی بعد از پیامبر(ص) به تدریج جامعه به چای مشارکت خودجوش و اگاهانه در برای اعمال خلاف دین و برداشت هایی اشبای صحابه به سوی نقش تماشاگری سپرید کرد. چنان که در دوره حاکمیت یازد سطح وسیعی از جامعه در برای اعمال خلاف چند خلیفه و صحابه پیامبر(ص) تماشاگر حادثه‌ها شدند.

منابع و مأخذ
_ آقا بخشی، علی، مینو اقتصادی راد، (1379) فرهنگ علم سیاسی، تهران، نشر چاپر.
_ ابن اثیر(1465) الكامل في التاريخ، 4، پیروت، دار صادر.
_ ابن اثیر (1370) (1470) اسلامی، تاریخ.panel، 4، پیروت، دار البتار.
ابن خلدون (۱۳۶۹) عبدالرحمان، مقدمه، ج۱، محمد پروین گنبادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن حجر عسقلانی (۱۳۱۲)، الاصابه في تمييز صحابه، ج۱، بيروت، دار الجيل.

ابن سعد (۱۴۱۰)، طبقات الكبرى، ج۷، بيروت، دار الكتب العلمیه.

ابن طفيل، مالک (ج۱)، الموطأ، ج۳، جامع محمد فولاد عبده، بيروت، دار الكتب العلمیه.

ابن نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۶)، الجمل، مكتب الإعلام الإسلامي.

ابن هشام (ج۱)، السيرة النبویة، بيجة، دار الكتب.

اچ ترتر، جاتاکان، ال بیگی، (۱۳۷۰)، پدیده نظیره جامعه شناختی، ترجمه عبدالله ایسایی زاده، انتشارات دانشگاه شیراز.

بلاذری (۱۳۱۷)، احمد بن حیان بن جابر، انساب الیشراف، ج۶، بيروت، دارالفکر.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، ج۱، بيروت، دار الكتب العلمیه.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، جامع محمد ابوالفضل ابراهیم، بيروت، روزنامه النزول العربي، بي تا.

غزالی، محمد (۱۳۰۹)، الاقتصاد في الاعتقاد، بيروت، دار الكتب العلمیه.

نوری‌زاده، شهاب الدین، نهایه اربی فی فنون و الادب، ج۵، محمد مهمندی دامغانی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۰)، تبیین جامعه شناختی در تفاوت شهر و دنیا در حیات اجتماعی و سیاسی، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸.

یعقوبی، ایبی وضح (ج۱)، تاریخ يعقوبی، ج۲، بيروت، دار صادر.
Abstract

After the prophet’s death, in a short time Sahabeh were known to answer people’s religious questions and their guide. The numerous questions of people and their lack of knowledge to answer them, showed their roles in Ijtihad. They answered them by their deduction and people accepted that.

Their role, the paradox between them led to appearance of the excusing of Sahabeh for Ijtihad approach. This approach affected people who even have seen the prophet for a short time. One of them is the spirit of easygoingness among the people. The trust in Sahabeh decreased. Therefore the critical spirit decreased.

Key word: Sahabeh, wrong Ijtihad, social difference